بسم‌الله الرحمن الرحیم

[نوعیت حکم در این مقام 2](#_Toc432056596)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc432056597)

[وظیفه اولیه افراد 2](#_Toc432056598)

[حکم اجتهاد 2](#_Toc432056599)

[اطراف تخییر در این مقام 3](#_Toc432056600)

[موارد وجوب تعیینی اجتهاد 3](#_Toc432056601)

[جمع‌بندی قسم اول 3](#_Toc432056602)

[قسم دوم 3](#_Toc432056603)

[تشریح سؤالات فوق 4](#_Toc432056604)

[تمثیل عرفی از بحث 4](#_Toc432056605)

[جمع‌بندی 5](#_Toc432056606)

[احکام اقسام اجتهاد 5](#_Toc432056607)

# نوعیت حکم در این مقام

# مرور بحث گذشته

در مباحث گذشته به نتایجی که رسیدیم این بود که حکم در اینجا تخییری و عقلی است و این نوع از حکم عقلی، به نحو وجوب احرازی است که مربوط به مقام امتثال است. و ثالثاً این وجوب در مجرای قاعده ملازمه نیست.

اما درعین‌حال به نحوی این حکم مشروط است به اینکه شارع در اطراف آن تصرفی نکند. لذا به نحوی یک تأیید شرعی را می‌طلبد برای اینکه تمام بشود.

بنابراین ذات این حکم عقلی است، اما در مبادی و مقدمات و شرایط آن به نحوی سخن و سکوت شارع تأثیر دارد.

## وظیفه اولیه افراد

بعید نیست گفته شود حال عمومی جامعه در آغاز حرکت در مورد وجوب، وجوب تعیین تقلید است. و شارع ممکن است این احتیاط را نپسندد چراکه منجر به اختلال زندگی فرد خواهد شد. استنباط یک مسئله در حقیقت به معنای استخراج رأی شارع در مسائل اعم از اعتقادی، فقهی یا ... است که امروزه بیشترین تمرکز روی خود فقه است.

## حکم اجتهاد

باید دید در مسئله اول حکم اجتهاد چیست؟ می‌گوییم حکم اجتهاد یکی از این چهار مورد است. یا وجوب تخییری بین او و دو مورد دیگر است که حالت طبیعی این بود. گاهی وجوب تخییری بین اجتهاد و تقلید است در آنجایی که احتیاط ممکن نیست، یا شارع احتیاط را نمی‌خواهد و یا عنوان ثانوی وجود دارد.

## اطراف تخییر در این مقام

حکم دیگر این است که اجتهاد واجب است به نحو تخییر بین آن و احتیاط، در آنجایی که شخص مجتهد است و قوه اجتهاد دارد، و دیگر نمی‌تواند تقلید کند، بنا بر آنچه قبلاً هم اشاره کردیم. ولی احتیاط اگر میسره باشد می‌تواند انجام دهد.

### موارد وجوب تعیینی اجتهاد

گاهی هم وجوب اجتهاد برای خود مکلف تعیین پیدا می‌کند و از تخییر بیرون می‌رود و آن درجایی است که شخص مجتهد است و احتیاط هم ممکن نیست، در اینجا وجوب تعیینی است. برای مثال احکام خلل نماز یا فلان موضوع فقهی مورد ابتلای اوست. و در آنجا احتیاط هم نمی‌شود کرد، یا می‌داند شارع نمی‌خواهد. یا او در احتیاط شبهه‌ای دارد، ولی می‌تواند اجتهاد کند.

در این موطن معلوم است که وجوب تعیینی پیدا می‌کند.

### جمع‌بندی قسم اول

بنابراین الاجتهاد لعمل نفسه بحث اول است و حکمش از مباحث قبلی استخراج شد و خروجی آن این است که متصف به وجوب می‌شود یا تخییریاً یا تعیینیاً و در تخییری آن سه حالت دارد، احکامش و موردهایش را با اجمال و اختصار عرض کردیم و از بحث‌های قبلی هم معلوم شد.

### قسم دوم

قسم دوم اجتهاد للاجتهاد، اجتهاد لنفسه بود نه لعمل آخر؛

اصل اینکه کسی اقدام کند تا معارف دین را بفهمد و استنباط کند، اعم از معارف توصیفی و اعتقادی، یا معارف اخلاقی یا معارف حکمی و فقهی، این حکمش چیست؟ نفرض اینکه این اجتهاد اثر عملی ندارد و او درجاهایی اجتهاد می‌کند که مورد ابتلایش نیست، مثلاً احکام بانک را اجتهاد و استنباط می‌کند که مورد ابتلای او نیست.

چراکه نه پولی و نه حسابی دارد. یا در قبال احکام قضا تحقیق می‌کند، درحالی‌که اصلاً مورد ابتلایش نیست. یا عبید و اماء را استخراج می‌کند که مصداق ندارد.

این سؤال و بحث دوم بود.

یک سؤال این است که حکم آن به‌عنوان اولی و فی حد نفسه چیست؟ و یک سؤال این است که با طرو عناوین ثانویه و خارجی چه احکامی می‌تواند پیدا کند؟ ما آنچه اینجا به‌اختصار عرض می‌کنیم، تفصیلش تا حدودی در جلد دوم فقه تربیتی آمده است. چندین سال قبل مقداری در این رابطه گفتیم، گرچه وارد تفاصیل می‌شدیم شاید موارد جدیدی پیدا می‌شد.

### تشریح سؤالات فوق

من به اتکای همان به‌اختصار اشاره می‌کنم به پاسخ به این سؤال. در پاسخ به این سؤال این‌طور باید عرض کنیم که اجتهاد و فهم عالمانه و محققانه از شریعت، چه در عقاید، چه در اخلاق، چه در احکام، در ذات خودش یک مستحب نفسی مؤکد است.

ببینید اجتهادی که لعمل غیره وجوب احرازی داشت، و یادمان رفت بگوییم گاهی آنجا استحباب احرازی هم دارد، می‌گفتیم اگر آن ملاک نفسی آن، وجوب یا استحباب باشد، وقتی در مسیر تحقق یکی قرار می‌گیرد، این دو اندکاک پیدا می‌کنند، ولی گاهی هم جدا می‌شود.

### تمثیل عرفی از بحث

الآن عملی از اعمال منوط به غسل بر عهده او نیست. در این مورد می‌گوییم این عمل فی‌نفسه مستحب است و یک ملاک نفسی دارد. در بسیاری اوقات این‌طور است.

مثال عرفی این است که کسی روی این پله‌ها بالا برود، مولی گفته بالای پشت‌بام فلان کار را انجام بده، مقدمه‌اش این است که از پله‌ها بالا برود، این عمل گاهی، فقط ملاکش ملاک غیری است، ولی گاهی غیر از ملاک غیری خود این پله بالا رفتن یک نوع ورزش است و برای او سلامتی می‌آورد که در اینجا نوع غیریت دیگری به همراه دارد، لذا در اینجا اجتماع دو غیری است.

گاهی نه از پله بالا رفتن در آن، یک ملاک نفسی است. یعنی همزمان با خودش یک ملاک نفسی احراز می‌شود. همین‌که پا می‌گذارد، روی این، اثری می‌گذارد.

### جمع‌بندی

بنابراین یک امر می‌تواند درآن‌واحد واجد یک ملاک غیری محض باشد و می‌تواند واجد چند ملاک غیری باشد، همچنان که می‌تواند واجد ملاک‌های غیری و ملاک‌ها یا ملاک نفسی باشد. در این میان، آن ملاک نفسی می‌تواند الزامی باشد، می‌تواند ترجیحی باشد.

### احکام اقسام اجتهاد

اجتهاد دارای اقسامی است و برای هر قسمی حکمی وجود دارد؛

حکم اجتهاد لعمل نفسه، همان چند قسم سابق است که حالت طبیعی آن همان تخییر سه‌ضلعی است. لذا این نوع از اجتهاد به وجوب متصف می‌شود یا تخییراً یا تعییناً که تخییری نیز خود دارای سه حالت است.

اما حکم اجتهاد برای خود یعنی لنفسه که برای نفس تفقه صورت می‌گیرد، این است که اگر فرد ابتلائی به آن موارد ندارد، این نوع از اجتهاد وجوب نفسی مؤکد دارد. و این نوع از مستحب مستند به همان ادله علم است که؛

**«هَلْ یسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یعْلَمُون»[[1]](#footnote-1)**

بنابراین که بگوییم مصداق انحصاری آن علم شریعت است یا لااقل نسبت به آن شمول دارد.

1. زمر/9 [↑](#footnote-ref-1)